

واکاوی تاثیر امنیتی کردن در شناسائی، تصمیم‌گیری و ارزیابی فرآیند سیاست‌گذاری عمومی
صمد نوجوان^۱ - پرویز احدی^{۲*} - حسین احمدی سفیدان^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴

چکیده:

هدف کلی از پژوهش فوق بررسی تاثیر امنیتی کردن و هدف ویژه آن بررسی تاثیر امنیتی کردن بر سیاست‌گذاری عمومی در دوران پس از انقلاب اسلامی و آشوب‌های داخلی ایران است. با توجه به اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری امنیتی، اندیشمندان و نویسندگان بسیاری، اقدام به ارائه مدل‌ها، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی با بهره‌گیری از علوم گوناگون داشته‌اند. در این حال، یکی از نقاط مشترک و اساسی این مدل‌ها، تأکید بر شناخت مسئله به عنوان گام آغازین فرآیند سیاست‌گذاری است. برقراری و ایجاد یک محیط با ثبات از جمله دغدغه‌های هر حکومتی است. ما در این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که امنیتی کردن چه تاثیری در شناسائی، تصمیم‌گیری و ارزیابی فرآیند سیاست‌گذاری عمومی دارد؟ امنیتی کردن موجب بخشی شدن مشکل در فرآیند سیاست‌گذاری شده و سیاست‌گذاری عمومی با در اولویت قراردادن مشکل امنیتی یا موضوع امنیتی طراحی عملیاتی و اجرایی می‌گردد.

واژگان کلیدی: امنیت، سیاست‌گذاری، آشوب، اعتراض

^۱ - دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ - استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران: نویسنده مسئول
parvizahdi@gmail.com

^۳ - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

امنیت مطلوب، گران سنگ و دیرینه بشریت است. انسانها هنگام رویارویی با ناامنی، قدر و منزلت آن را نیکوتر درک می‌کنند و به مصداق «نعمتان مجهولتان: الصحه و الأمان»، مجهول بودن منزلت امنیت تا زمانی است که خدشه‌دار یا از میان برداشته می‌شود. این مفهوم آلیت و زمینه‌ای بودن به‌رغم سادگی ظاهری، به دلیل درهم تنیدگی‌اش با نسبییت، دارای ناروشنی‌های بسیاری است و به دلیل وابستگی‌اش به عناصر سازنده قدرت، به همان میزان که ماهیت قدرت و ساخت اجتماعی آن دستخوش تغییر می‌شود، خود نیز به کام تحول و تغییر درمی‌افتد. در جوامع امروزی که تأمین امنیت از وظایف دولت‌ها و حاکمان تلقی می‌شود، هیچ کدام از این پیچیدگی‌ها، مشکلات و سختی‌ها در تأمین امنیت، مانع از کاسته شدن اهمیت و اولویت آن نزد مردم و حاکمان نشده بلکه با گذشت زمان، احساس نیاز به آن بیشتر و ضروری‌تر شده است. لذا هر روز بر شمار شیوه‌های جدید تأمین و حفظ امنیت در جوامع افزوده می‌شود.

از سوی دیگر، کار سیاست‌گذاری به‌سامان کردن امور از سوی نهادهای عمومی در یک کشور است. از آنجاکه واژه «امور» حوزه‌های متعدد و گسترده‌ای را در خود جای می‌دهد، سیاست‌گذاری نیز حوزه‌های فراوانی را شامل می‌شود. یکی از این حوزه‌های با اهمیت و دارای جایگاه خاص، سیاست‌گذاری امنیتی است که با توجه به اینکه برخی از اندیشمندان به ویژه در نگاه‌های کلاسیک، وظیفه اولیه و اصلی دولت‌ها را تأمین امنیت می‌دانند، می‌توان گفت سیاست‌گذاری در حوزه امنیت، زیربنا و بستری برای سیاست‌گذاری در سایر حوزه‌های کشور نیز است. بر این اساس، علیرغم اینکه همه انواع سیاست‌ها برای به‌سامان شدن امور در یک جامعه ضروری است، حوزه امنیت در سیاست‌گذاری، به دلیل گستردگی، شمول و نفوذ تأثیر، از اهمیت بیشتری برخوردار است تا جایی که بدون امنیت، سیاست‌گذاری در سایر امور نیز نابسامان خواهد ماند.

با توجه به اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری امنیتی، اندیشمندان و نویسندگان بسیاری، اقدام به ارایه مدل‌ها، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی با بهره‌گیری از علوم گوناگون داشته‌اند. در این حال، یکی از نقاط مشترک و اساسی این مدل‌ها، تأکید بر شناخت مسئله به عنوان گام آغازین فرایند سیاست‌گذاری است. به بیان دیگر، اندیشمندان لازمه سیاست‌گذاری به‌سامان در حوزه امنیت را شناخت دقیق و صحیح آسیب‌ها و مسائل امنیتی می‌دانند. در همین راستا، حکومت‌ها می‌بایست متناسب با ارزش‌ها، آرمان‌ها، اهداف، مصالح ملی، توانمندی، تجهیزات و مانند آن مبادرت به شناخت فرایندهای لازم و مناسب جهت سیاست‌گذاری امنیتی و شناخت آسیب‌ها و مسائل امنیتی کنند که این امر مهم، در قالب تحقیقات و نوشته‌هایی از این دست ظاهر

می‌گردد. بنابراین در این پژوهش به بررسی امنیتی کردن و سیاست‌گذاری در ایران با توجه به آشوب‌های داخلی پرداخته شده است.

مبانی نظری

آشوب‌های داخلی

آژیتاسیون واژه‌ای فرانسوی به معنای ایجاد حرکت و هیجان است و در سیاست به شیوه‌هایی که برای تحریک احساسات عمومی و تهییج آنها به کار می‌رود، اطلاق می‌شود. این روش بیشتر در احزاب و گروه‌های انقلابی چپ مرسوم است و برای تحریک و تهییج مردم گاهی به انتشار اخبار و شایعات دروغ یا تیراندازی میان جمعیت و استفاده از خون مصنوعی نیز مبادرت می‌شود. (طلوعی، ۱۳۷۲: ۳۱)

داریوش آشوری در دانشنامه سیاسی خود در تعریف این واژه می‌نویسد: شورانش؛ تلاش برای ایجاد نوعی برداشت آمیخته با هیجان و گاه آشوب‌انگیز، در میان مردم نسبت به یک امر سیاسی است. از این‌رو شورانش‌گر کسی است که می‌کوشد با چنین عملی بر اندیشه و کردار انبوه مردم تأثیر گذارد.

مردمانگیزی [یا شورشگری یا آشوبگری] در کاربرد جدید به دو معنی است.

الف) یعنی برانگیختن مردم و شورش که از رفتار آشفته توده‌ها ناشی شده باشد. ب) کوششی که می‌خواهد به نیّت سیاسی توده‌های مردم روحیه هیجان‌زده القا کند که البته ضروری نیست آشفته‌گی همراه داشته باشد. بنابراین مردم‌انگیز کسی است که سعی کند تا برای چنین انگیزشی فکر و رفتار عده کثیری از زنان و مردان را زیر نفوذ خود بگیرد. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۷۱)

گولد و کولب روند معنایی آژیتاسیون را به شرح ذیل آورده‌اند.

۱- صورت انگلیسی اصطلاح در طی جنگ داخلی انگلستان در قرن هفدهم (۱۶۴۷) اهمیت پیدا کرد در آن وقت هر یک از هنگ‌های ارتش کرامول نمایندگان برگزیدند که آجیتاتور نامیده می‌شدند.

۲- در انقلاب فرانسه این واژه به افرادی اطلاق می‌شد که به طرزی نامسئولانه در صدد ایجاد آشوب‌های داخلی بودند. اصطلاح آژیتاسیون را، سخنگویان حکومت محافظه‌کاری به کار می‌بردند که از جنبش‌های ملی، دموکراتیک یا سوسیالیستی پس از انقلاب فرانسه و خاصه جنبش‌های اروپایی - قاره‌ای، وحشت داشتند.

۳- این اصطلاح در انگلستان برای توصیف بسیج مسالمت‌آمیز و منظمی به کار برده می‌شد

که برای برانگیختن افکار عمومی صورت می‌گرفت و هدف از این کار انجام برخی اصلاحات قانونی بود که پارلمان باید انجام می‌داد.

۴- همراه با جنبش‌های انقلابی گوناگون راست و چپ زمانمان، اصطلاح مردم‌انگیزی مفهوم متفاوت به خود گرفته است و از نظر رهبران و پیروان، این‌گونه جنبش‌ها ابزاری قانونی به شمار می‌آید که به اعتبار آن باید افکار عمومی را علیه نظام اجتماعی و حکومتی برانگیخت... روی سخن مردم‌انگیز احزاب انقلابی یا احزاب مخالف افراطی مجامع توده‌ای، اعتصابیون، دانشجویان و غیره است تا در حکومت تغییری بنیادی ایجاد کند. (همان)

برآیند تعاریف مذکور و نظام تحلیل کنونی می‌توان گفت آژیتاسیون برانگیختن شهروندان علیه حاکمیت‌ها با هدف تغییرات گسترده و یا تعویض حاکمیت توسط کشورهای دشمن و مخالفان رژیم است. عوامل ایجاد آشوب‌ها برای آشوبگری می‌توان علل و دلایل گوناگونی برشمرد که در این مقاله تنها به اهم آنها اشاره می‌شود. نخستین علت ایجاد آشوب‌ها وجود نداشتن کانال‌های ارتباطی ابراز عقیده است. زمانی که شهروندان تصور کنند نمی‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند و تمامی کانال‌های ارتباطی در دست رقبای آنها است برای ابراز وجود، به اعمال گوناگون مانند تظاهرات، اعتصاب، شورشگری و ترور اقدام می‌کنند و به این ترتیب سعی می‌کنند خود را به جامعه معرفی کرده و ابراز هویت کنند. دومین علت، وارد کردن فشاری بالاتر از حد آستانه تحمل به شهروندان است. اصولاً شهروندان در مسائل مختلف اعم از مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی یک حد آستانه تحمل دارند. زمانی که فشارها از حد آستانه تحمل فراتر رود، احتمال شورشگری قوت و شدت می‌گیرد. به این ترتیب گروهی که فکر می‌کند بر او ظلم واقع شده است به تخلیه روحی و روانی خود با تخریب و آسیب رساندن به اموال عمومی و (گاهی خصوصی) اقدام و به این وسیله خود را ارضا می‌کند. سومین علت آشوبگری هیجانات ناشی از رقابت‌های حزبی و گروهی با یکدیگر و استفاده ابزاری از این موضوع است که در سال‌های اخیر در کشور ما نیز اغتشاشات و آشوب‌های گوناگونی با عناوین فوتبال، دانشجویان، سخنرانی‌ها و غیره برپا شده است. علت اصلی این اغتشاشات تحریکات اپوزیسیون خارج از کشور است. در خارج از کشور گروه‌های معاند و براندازی وجود دارند که خواهان براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایرانند؛ لذا سعی می‌نمایند از کوچک‌ترین روزنه و امکان برای ایجاد اغتشاش و آشوب نهایت استفاده را بنمایند. برای مثال موضوع تجمع صنفی دانشجویان در خصوص شهریه ترم دوم، دانشگاه تهران را به اغتشاش شبانه تبدیل کردند و باعث ناآرامی شبانه تهران (در تاریخ ۸۲/۳/۲۰) و چند شهر دیگر ایران گردیدند. آخرین علت در این مقاله

دشمنان خارجی است. اکثر کشورهایی که دشمن یکدیگرند سعی می نمایند علاوه بر استفاده از ابزارهای نظامی، از ابزارهای عملیات روانی برای شهروندان مردم کشور آماج نیز استفاده کنند.

به این ترتیب کشور هدف را از داخل تضعیف می نمایند که نمونه بارز آن شوراندن شیعیان عراقی بر ضد حکومت بعثی عراق در سال ۱۹۹۱ بود که به علت پشتیبانی نکردن و خیانت آمریکا به آنها، صدام تمامی آنها را زندانی یا به شهادت رساند. البته مورد آخر تنها دخالت مستقیم کشور متخاصم نیست بلکه کمک به مخالفان کشور آماج در راستای شورشگری نیز می تواند جز دشمنان خارجی محسوب شود به این مفهوم که کشور آمریکا تمامی امکانات ماهواره ای و فعالیت سیاسی را برای مخالفان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مهیا ساخته است تا آنها بتوانند در همسویی با آمریکا به مقصود خود دست یابند.

عناصر اصلی در فرایند امنیتی شدن

مهم ترین عناصر اصلی در نظریه امنیتی شدن عبارتند از:

نظریه امنیتی کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ که از امنیتی به رهیافت فلسفی در امنیتی کردن تعبیر می شود. (Balzacq, 2009.11) با تکیه بر مباحث زبان شناختی و پساساختارگرایی تکوین یافته است. نظریه «کنش گفتاری» و مفاهیم پساساختارگرایانه، کانون توجه این مکتب به شمار می رود. ویور زیربنای امنیتی کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ را اندیشه های جان لانگشاو آستین، ژاک دریدا و کارل اشمیت می داند. (Waever, 2004.13)

جان لانگشاو آستین

جان لانگشاو آستین، زبان شناس، استاد فلسفه اخلاق در دانشگاه و آکسفورد چهره برجسته مکتب فلسفی «زبان روزمره» در کتاب خود که متشکل از سلسله سخنرانی های تحت عنوان «با کلمات چه می توان کرد» است، نظریه کنش گفتاری را به تفصیل شرح می دهد. نظریه گفتاری آستین را می توان نسبت به سه اصل معروفی دانست که در میان معنی شناسان زبانی و معنی شناسان منطقی مبنای نگرش به معنی بود. این سه اصل عبارت بودند از: (۱) جملات خبری هستند (۲) کاربرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات است و (۳) صدق یا کذب معنی پاره گفتارها را می توان تعیین کرد. این سه اصل در زمان آستین مبنای نگرش فیلسوفان حلقه وین به حساب می آمد که منطقیون اثبات گرا نامیده می شدند. (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۷۴)

مخالفت آستین با آرای این دسته از منطقیون بر این پایه استوار بود که زبان تنها برای اطلاع

دادن یا اخبار به کار نمی‌رود و ارزش صدق بسیاری از جملات زبان قابل تعیین نیست. آستین این جملات را که ناظر به کنش یا عمل هستند، پاره گفتارهای انشایی یا پرفورماتیو می‌نامد. (Austin, 1962: 147) در این نوع گزاره‌ها، انعقاد هر اظهار همزمان با انجام کنش است. آستین برای نشان دادن کاربرد کنش‌های گفتاری در زبان به برخی از روی داده‌های اجتماعی همچون «ازدواج» و «شرط‌بندی» استناد می‌کند. وی بر این باور است که لفظ «بله» که توسط عروس و داماد به کار برده می‌شود یا عبارت «شرط می‌بندم» که در شرط‌بندی‌ها استفاده می‌گردد، منجر به تکوین نوعی کنش می‌شود. به عبارت دیگر، با بیان لفظ «بله» یا «شرط می‌بندم» عمل می‌گردد. (ازدواج یا شرط‌بندی) انجام شده است. (Austin, 1962: 12) از این رو که در پاره گفتارهای انشایی بحث بر سر صدق یا کذب نیست، مخاطب به وقوع یا عدم وقوع کنش توجه می‌کند (Ibid. 14) بر این اساس در عوض درستی یا نادرستی، پاره گفتارهای انشایی را می‌توان بجا یا نابجا دانست. آن دسته از پاره گفتارهای انشایی که به اجرای عملی منتهی شوند «بجا» خواهند بود و اگر شخص گوینده در مقامی نباشد که گفته‌اش اجرا شود، پاره گفتار انشایی وی «نابجا» تلقی خواهد شد. بر این مبنا، جمله‌ای مانند «من شما را به پنج سال زندان محکوم می‌کنم» بر حسب اینکه در دادگاه و از سوی قاضی آن دادگاه و مطابق قانون گفته شده باشد یا نه، می‌تواند پاره گفتار انشایی بجا یا نابجا به حساب آید. (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۷۵) بنابراین، باید شرایطی وجود داشته باشد که پاره گفتار انشایی را از کارایی برخوردار سازد. آستین این شرایط را «شرایط کارایی» می‌نامد. حاصل این امر آن است که در صورت وجود شرایط کارایی، کنش‌های گفتاری با موفقیت همراه خواهد بود. این شرایط عبارتند از:

- ۱- کنش گفتاری باید با روال پذیرفته شده مرسوم که ناظر به خود پاره گفتار است همخوانی داشته باشد.
- ۲- اشخاص و شرایط ویژه موجود در یک مورد مشخص باید برای القاء روال خاصی که بدان توسل جسته می‌شود، مناسب باشند.
- ۳- این روال باید توسط همه مشارکت‌کنندگان به صورت صحیح انجام شود.
- ۴- این روال باید توسط همه مشارکت‌کنندگان به صورت تام و تمام انجام شود.
- ۵- شخصی که در کنش گفتاری شرکت می‌کند، باید در پاره گفتار خود صادق باشد.
- ۶- بیان‌کننده کنش گفتاری باید مطابق با اظهارات خود زندگی کند. (تطابق حرف و عمل).

(Floyd, 2010: 12)

نکته حائز اهمیت آن است که همه این شرایط کارایی، از وزن یکسانی برخوردار نیستند، به گونه‌ای که چهار شرط اول دارای اهمیت و ارزش بیشتری هستند.

جامعه

جامعه در اصطلاح جامعه‌شناسی گروه (های) انسانی است مشروط بر اینکه دارای تعامل انسانی پایدار باشند که از نظر سرزمینی، حاکمیت یا انتظارات فرهنگی با هم وجه اشتراک دارند. جامعه خود به تناسب الگوی روابط بین افراد آن، قابل دسته بندی به زیر مجموعه‌های جمعیتی است تا با ماحصل تجمیع آنها جامعه را بسازند.

در هر جامعه، باورها و اعتقادات جمعی فارغ از معقول یا غیرمعقول بودن آنها، الگوهای رفتاری و هنجارهای اجتماعی آن جامعه را می‌سازند که همواره می‌تواند دستخوش تغییرات تدریجی باشد.

مشارکت جمعی افراد جامعه فرصت‌ها و مزایایی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که امکان تأمین آن به شکل فردی مقدور نیست. از این‌رو با تعریف جامعه با مفهوم منافع جمعی روبرو می‌شویم که باید آن را از منافع شخصی متمایز دانست، هر چند در بسیاری از موارد این دو مفهوم با هم همپوشانی (برابر کردن یا موازی سازی) دارند.

در یک مفهوم ساختارگرایانه، جامعه را می‌توان به عنوان یک بستر اقتصادی، صنعتی، فرهنگی دانست که از مجموعه متنوعی ضمن متمایز بودن از یکدیگر همواره با هم در تعامل‌اند و روابط عینی بین آنها برقرار است در حالی که مجموعه افراد غیر مرتبط را که در یک محیط به سر می‌برند نمی‌توان یک جامعه دانست. این تعامل حتماً تعامل فرهنگی ساختی و احیاناً منجر به تعامل علم ساختی هم هست؛ بنابراین، یک عده مهاجر یا پناهنده که مثلاً در یک اردوگاه به مدت سه ماه گرد هم آمده‌اند اگر چه بسیار باشند، به عبارتی در این تعریف نمی‌گنجد و جامعه محسوب نمی‌شوند. زیرا شرط تعامل پایدار و تعامل فرهنگ ساختی را ندارد.

در درون جامعه، به دلیل وجود علایق مختلف انسان‌ها و گروه‌ها، تضادهای اجتماعی وجود دارند؛ اما با وجود تضاد، تعادل و ثبات جامعه حفظ می‌گردد. در جامعه افراد نقش‌های گوناگونی را می‌پذیرند و به همان نسبت از مزایای اجتماعی مختلفی بهره‌مند می‌شوند جامعه شناسی علمی است که به مسایل عینی جامعه و پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد.

آشوب با منشا داخلی

آشوب‌ها با منشا داخلی، آشوبهایی‌اند که در اثر نارضایتی شهروندان از حاکمیت یا موردی ویژه به وجود می‌آید. زمانی که نارضایتی از حاکمیت باشد کل جامعه دچار درگیری شده و

انقلاب پدید می‌آید و اگر این نارضایتی از موردی خاص باشد مردم یا شهروندان هرچند به تخریب اماکن شخصی و عمومی اقدام می‌کنند اما پس از مقطع زمانی کوتاهی، این آشوب‌ها فروکش می‌کنند و از منطقه جغرافیایی خود خارج نمی‌شوند.

آشوب با منشا خارجی

نوع دوم آشوب‌هایی است که منشأ خارجی دارند. این منشأ خارجی می‌تواند یک دولت خاص یا مخالفین یک نظام باشد. آشوبگری با منشأ خارجی جزئی از عملیات روانی دشمنان علیه حاکمیت آماج است که اگر دولتی علیه دولت دیگر باشد آشوبگری نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است که به این پیش‌زمینه‌ها فشارهای عملی گویند به این مفهوم که دولت متخاصم کشور آماج را هدف فشارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار می‌دهد و سپس وقتی که شهروندان از حاکمیت ناراضی گشتند با استفاده از شیوه‌های روان‌شناسی آنها را به شورش وادار می‌دارد که نمونه‌های بارز آن ایجاد شورش در عراق پس از جنگ دوم خلیج‌فارس توسط آمریکا بود که به علت پشتیبانی نکردن بعدی، شورش شیعیان با سرکوب شدید حاکمیت بعثی مواجه گردید. نوع دوم منشأ خارجی مربوط به مخالفان حاکمیت‌ها در بیرون از مرزها است در این روش مخالفان از نارضایتی‌های مقطعی شهروندان نهایت استفاده را کرده و باعث ایجاد آشوب و بلوا در یک کشور می‌شوند و هرچند خود نیز اطمینان دارند این شگردها باعث تغییر حاکمیت‌ها نمی‌شود ولی آن را ضربه‌ای به حاکمیت‌ها تلقی می‌کنند که نمونه‌های بارز آن آشوب‌های واقعه دانشگاه و یا شادی‌های پس از فوتبال بود که با درایت نیروهای انتظامی این قائله‌ها دیگر تکرار نشده‌اند.

نقش رسانه‌ها در کنترل آشوبها

در هر آشوب یا درگیری دو طرف منازعه وجود دارد و این دو در صدد گرفتن امتیاز از یکدیگرند. نقش رسانه‌ها در این منازعات میانجیگری بین طرفین منازعه است. به این ترتیب که باید سعی نمایند امتیازات خواسته شده را به حد معقول تقلیل دهند تا طرف دیگر منازعه بتواند آن را برآورده سازد. در این خصوص رسانه‌های مخالف برعکس عمل کرده و سعی در بسط و گسترش خواست‌های آشوبگران می‌کنند. برای مثال در بحران دانشجویی ۲۰ خرداد ۱۳۸۲ دانشجویان خواهان تعدیل شهریه‌ها بودند ولی رادیو تلویزیون‌های مخالف و معاند نظام آن را به براندازی نظام تعبیر کردند که شاید در مرحله اول تحقق منویات دانشجویان امکان‌پذیر بود ولی در هیچ کجای دنیا تغییر نظام معقولانه و تحقق‌پذیر نیست. نقش رسانه‌ها به عنوان میانجی تبادل اطلاعات میان طرفین منازعه است. آنها باید خواست

های آشوبگران و میزان تحقق آن خواست‌ها توسط طرف دیگر منازعه را منتقل کنند. رسانه‌ها کانال‌های ارتباطی محسوب می‌شدند و هرچقدر رسانه‌ها در این مسیر پخته‌تر، حرفه‌ای‌تر و فعال‌تر عمل کنند، احتمال فروکش کردن اغتشاشات بیشتر است و هرچقدر ناپخته‌تر و منفعل رفتار کنند، بحران تشدید می‌شود و خسارات بیشتری به جامعه وارد می‌شود. برای مثال اگر رسانه‌ای تنها هدف خود را انعکاس وقایع آشوبگری تعیین کند و سپس هیجان‌زده به انعکاس برخوردها، خرابکاری‌ها، زد و خورد طرفین منازعه و سایر حوادث حاشیه‌ای بپردازد، احتمال ورود دیگر شهروندان به صحنه منازعه بیشتر می‌شود. در مثال دیگر، اگر اکثر رسانه‌ها به سکوت خبری بپردازند، در این صورت شهروندان مجبور می‌شوند تمام اطلاعات خود را از رسانه‌های مخالف کشور هدف دریافت کنند و به این ترتیب میدان در اختیار مسبین آشوب قرار می‌گیرد و آشوب تشدید خواهد شد. بنابراین رسانه‌ها باید با هدف کنترل و مدیریت این نوع منازعات، وارد عرصه خبری شوند و یا سعی نمایند در پوشش خبری با نمایندگان متعادل طرفین منازعه مصاحبه و گفتگو نمایند و از بحران به عنوان یک موقعیت جذب مخاطب، استفاده نکنند.

آشوب‌های داخلی ایران

در این قسمت به مهمترین فتنه‌های پس از انقلاب اسلامی ایران که تأثیراتی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه انقلابی ایران داشته‌اند پرداخته شده است.

گفتار اول: اقدامات تجزیه طلبانه

بعد از انقلاب اسلامی اقدامات تجزیه طلبانه علیه برخی مخالفان در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت که در ادامه به شرح آنها پرداخته شده است.

کردستان

سرنگونی شاه و پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت تاریخی مناسبی بود تا گروه‌های معارض کرد در پناه فضای جدید و با اطمینان از کمک‌های قدرت‌های خارجی علیه انقلاب، خواسته‌های خود را مبنی بر اعلام استقلال و یا نوعی خودمختاری علنی نمایند. حدود یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سی ام بهمن ۱۳۵۷، نمایندگان دولت موقت در مه‌آباد حضور یافته تا ضمن دیدار با مردم کردستان و گفتگو با نمایندگان آنان از جمله شیخ عزالدین حسینی، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان درخواست‌های آنان را به اطلاع هیات دولت برسانند. تحریکات خارجی، بی تصمیمی دولت موقت، موجب سوء استفاده نیروهای شورشی کرد گردیده و علیرغم توافق اولیه با دولت، به مقرهای دولتی و نظامی در شهرهای مختلف از جمله مه‌آباد، سنندج، نرده، مریوان، پاره حمله کردند. در عرصه سیاسی نیز احزاب دموکرات و کوموله در مواردی رو

در روی نظام ایستادند که از جمله می‌توان به تحریم رفتارندوم تغییر نظام از پادشاهی به جمهوری اسلامی و قانون اساسی و مساله خود مختاری و... اشاره نمود. در عرصه نظامی رویارویی شدیدتر بود. این احزاب پس از علنی شدن فعالیت‌هایش در سال ۱۳۵۷، با نمایش قدرت در اکثر شهر-های منطقه، به عنوان مهمترین نقش آفرین صحنه کردستان مبدل گردید. در این راستا بعد از سقوط پادگان مهاباد به دست دموکرات‌ها و دیگر گروه‌های سیاسی و خروج توپخانه و تانک و اسلحه از این پادگان بحران کردستان وارد مرحله تازه‌ای شد و به دنبال آن درگیری‌هایی در سنندج و بانه و پاوه شکل گرفت و به مرور سایر مناطق کردنشین را در بر گرفت. حمله نظامی عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ نیز موجب تقویت مواضع این حزب شد. از سال ۱۳۶۰ پایگاه‌های اصلی حزب دموکرات کردستان به خاک عراق منتقل شد. بعدها رهبری این حزب نیز مانند بقیه اپوزیسیون به خارج کشور رفت و تا امروز نیز مرکزیت این حزب در خارج از ایران است. حزب دموکرات همواره در خارج از ایران فعالیت‌هایی داشته و در تظاهرات‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی و برخی اقدامات تروریستی در مناطق شمال غرب کشور شرکت داشته است.

آذربایجان

با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از معادلات به هم خورد. بسیاری از انقلابی‌ها و مبارزان، چنین پیروزی را پیش‌بینی نمی‌کردند. آیت‌ا. شریعتمداری در ایام منتهی به پیروزی و پس از آن بازهم همان سیاست ویژه خود را با نظام ادامه داد. وی در پیام‌ها و تعارفات و تظاهرات همراهی و همگامی خود را نشان می‌داد اما گفتار و رفتار خصوصی وی چیز دیگری بود که از دید دوست و دشمن، مخفی نمی‌ماند. یکی از خطرناک‌ترین فعالیت‌هایی که با حمایت شریعتمداری کلید خورد، تأسیس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان در برابر حزب جمهوری اسلامی بود. شریعتمداری حتی عضویت در آن را یک وظیفه اسلامی و ملی می‌دانست. یکی از تنش-های سال‌های بعد از انقلاب، راهپیمایی‌هایی بود که در اعتراض به انتشار مقاله صادق خلخالی علیه تأسیس حزب خلق مسلمان ایران و موضع شریعتمداری در روزنامه اطلاعات برگزار می-شد. یورش چماق به دست‌ها در قم به طرفداری از شریعتمداری با شعار «شریعتمداری تو رهبر جهانی» و کشته شدن مشکوک یکی از نیروهای بیت شریعتمداری، عمق اختلافات را نشان می‌داد. بعد از ناآرامی‌های تبریز و قم بود که امام چندین بار طی سخنرانی‌ها و پیام‌هایی، وحدت انقلابیون و پرهیز از ایجاد تفرقه را خواستار شدند. اعلام براءت شریعتمداری از حزب خلق مسلمان، یکی از خواسته‌های جدی نظام بود. امام در این باره گفتند: این حزب خلق مسلمان علی‌التحقیق ریشه خارجی دارد. این کلمه خلق را داخل عنوان حزب گذارده‌اند مثل اینکه کلمه دمکراسی

را می‌خواستند داخل نام جمهوری اسلامی ایران کرده و بگویند: جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران؛ خلق مسلمان هم یعنی همین، خلق در فارسی همین توده است. اینها می‌خواهند از همین حالا میان مسلمانان زمینه جنگ درست کنند و بگویند حزب جمهوری اسلامی و حزب خلق مسلمان. موضع شریعتمداری در برابر درخواست اعلام برائت این بود که گفت: «آقا این حزب متعلق به مسلمان‌ها است؛ من به این حزب بستگی دارم. این را علناً گفته‌ام و همه هم می‌دانند. اگر بگویم بستگی ندارم، مساوی با از بین رفتن اعتبار و حیثیت من است. آیا من خودم را تحقیر کنم و بگویم وابستگی به این حزب ندارم، و آن را نمی‌شناسم؟ من این کار را نمی‌کنم.» در نهایت البته شریعتمداری با اوج گرفتن تحرکات توده‌ای‌ها، حدود یک ماه بعد در ۱۵ دی ماه سال ۱۳۵۸ اطلاعیه‌ای منتشر کرد و به ناچار تعطیلی تمام دفاتر حزب و فعالیت‌های آن را اعلام کرد. ناگفته نماند که آخرین جریانی که سرنوشت شریعتمداری تحت تاثیر خود قرار داد ماجرای بود که به کودتای نوژه مشهور شد. که در طرح این کودتا بمباران بسیاری از نهادها، ادارات و بیت امام دیده شده بود. با اعترافات قطب زاده و سید مهدی مهدوی، انگشت اتهام به جانب آیت ... شریعتمداری رفت و در اعترافی که در صدا و سیما پخش شد از ارتباط خود با عوامل کودتا ابراز ندامت کرد. اینجا بود که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شریعتمداری را از مرجعیت خلع کرد. شریعتمداری مدتی بعد به علت پیشرفتگی سرطان کلیه در ۱۳۶۵ در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

گنبد

ناطق شمال شرق کشور نیز همانند کردستان به دلیل وجود برادران اهل سنت و تفاوت‌های مذهبی، مکان مناسبی برای تحرکات ضد انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در همین راستا بروز درگیری‌ها و خونریزی می‌توانست باعث تحریکات قومی و مذهبی در کشور شده و همزمان با وقایع دیگر، سبب تضعیف نظام نوپای جمهوری اسلامی شود. این درگیری‌ها در ۶ فروردین ۱۳۵۸ آغاز شده و بعد از دو روز به پایان رسید. روزنامه کیهان همان روزها در گزارشی از وقایع گنبد می‌نویسد: «به دنبال درگیری‌های وسیع و تیراندازی‌های شبانه‌روزی در گنبد کاووس کلیه مدارس، بانک‌ها و مغازه‌های این شهر از بعدازظهر دوشنبه ۶ فروردین تاکنون به صورت تعطیل درآمده و دست‌کم ۱۶ تن کشته و بین ۴۰ تا ۶۰ نفر مجروح شده‌اند... طرفین درگیری عده بسیاری را در خانه‌ها و اماکنی که متصرف شده است به گروگان گرفته‌اند. همچنین گروهی از گردانندگان و اعضای کانون سیاسی خلق ترکمن که ترکمن هستند به وسیله پاسداران کمیته شهر گنبد کاووس و چریک‌های کمکی دستگیر شده و به پادگان نوده در بیست کیلومتری گنبد

اعزام شدند.» همزمان با گسترش درگیری‌ها و تلاش‌ها برای اعلام آتش‌بس، آیت‌ا. سید محمود طالقانی که در میان انقلابیون چهره‌ای جامع‌الاطراف و محبوب به حساب می‌آمد در پیامی خطاب به اهالی ترکمن صحرا آنان را به آرامش دعوت کرد. سرانجام در روز هشتم فروردین ماه روزنامه کیهان در گزارشی ذیل تیتر درشت «آتش بس در گنبد اعلام شد» نوشت: آخرین گزارش‌های رسیده از گنبد کاووس حاکی است که به دنبال مذاکرات طولانی میان معتمدان محلی که در حاشیه درگیری‌های خونین جریان داشت سرانجام توافق شد که تیراندازی‌ها خاتمه یابد و آتش‌بس برقرار شود. این توافقنامه شامل موارد زیر بود:

- ۱- عقب‌نشینی کامل طرفین از سنگرها و مواضع دفاعی و پاکسازی شهر
- ۲- شروع مذاکرات درباره آزادی فوری دستگیرشدگان
- ۳- انتقال سریع مجروحان به بیمارستان‌ها

گفتار دوم: کودتا

در این قسمت به کودتاهای صورت گرفته در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است.

پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند. برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزه‌های تیپ نوهده ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام^(ع)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر^(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. از نظر مسئولان کودتا، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شوند. سران کودتا برای شروع کار در صدد به اختیار گرفتن یک پایگاه نظامی بر آمدند که با هواپیما به تهران نزدیک در خارج از شهر، عناصر آن قابل جذب و رهبران عملیات هوایی، با پرسنل و اماکن آن آشنایی داشته باشند. به این ترتیب پایگاه هوایی شهید نوژه برای شروع کودتا انتخاب شد. در طرح کودتا، عملیات هوایی نقش محوری داشت بنابراین هواپیماها باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز می‌شدند. پس از بمباران‌های هوایی، هواپیماها

با شکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می دادند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند. در این مرحله باید صدا وسیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه تسخیر شود و در سطح شهر تهران با اعمال خشونت و ارباب حالت نظامی ایجاد شود، طبق برنامه اگر نیروی زمینی موفق نمی شد صدا و سیما را تسخیر کند، هواپیماها آنجا را بمباران می کردند. این کودتا در شب عملیات با اطلاع رسانی یکی از خلبانان به نیرو- های انقلاب شکست خورد.

ترور

از دیگر فتنه های انقلاب ترور نیروهای انقلابی است. ترور شخصیت بزرگانی مانند آیت ا. بهشتی، شهید چمران و استاد شهید مطهری و بعدها ترور فیزیکی شهید مطهری، سپهبد قرنی، دکتر آیت، شهدای محراب، انفجار ۷ تیر حزب جمهوری اسلامی، ترور رئیس جمهور و نخست وزیر در ۸ شهریور ۱۳۶۰، ترور مردم انقلابی، کشتار وحشیانه تاسوکی و سایر اقدامات تروریستی گروهک ریگی، ترور صیاد شیرازی و ترور دانشمندان هسته ای کشورمان از جمله مهمترین اقدامات تروریستی در طول تاریخ انقلاب اسلامی می باشند.

جنگ و درگیری های تحمیلی

جنگ ۲۰ ماهه در کردستان با حزب دمکرات و کوموله، اعلام جنگ رسمی مسلحانه سازمان مجاهدین خلق با نظام جمهوری اسلامی، جنگ مقدس ۸ ساله با عراق و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی حضرت امام، درگیری های محدود با طالبان در دهه ۷۰ شمسی و درگیری های اخیر با گروه پژاک.

تحریم

۱- طرح استانچ: تحریم فروش تجهیزات نظامی در زمان جنگ با عراق موسوم به طرح استانچ که طی آن «دونالد رامسفلد» نماینده ویژه «رونالد ویلسون ریگان» رئیس جمهور آمریکا در خاورمیانه، ۲۷ آذر ۱۳۶۲ نزدیک به ۳ ماه قبل از آغاز عملیات خیبر در بغداد با صدام حسین ملاقات کرده و دستیابی ایران به سلاح در بازارهای سیاه را مسدود کردند. براساس توافق به عمل آمده در همین ملاقات، پروژه American stanch کلید خورد برای مسدود شدن تسلیحات بازار سیاه، مجازات کسی که به ایران اسلحه می داد این بود که علاوه بر مصادره تمام دارایی و سلاح های فروشنده و نزدیکان درجه اول، وی را به ۲ بار حبس ۱۰ ساله محکوم می کردند؛ تا اگر یکی از دوره های حبس ۱۰ ساله اش به هر دلیلی، عفو خورد، ۱۰ سال دیگر را در زندان، حبس بکشید! لذا دلال های بازار سیاه هم دیگر جرأت معامله با ایران را نداشتند.

۲- طرح داماتو: در مرداد ماه ۱۳۷۵ الفونس داماتو سناتور جمهوری خواه آمریکا طرح جدیدی برای تحریم اقتصادی ایران به بیل کلینتون - رئیس جمهوری وقت آمریکا - ارائه کرده و در کنگره نیز به تصویب رسید. این قانون شامل چهارده بخش است که به تحریم کشورمان در دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته در صنایع نفت و ساخت سلاح‌های متعارف می‌پردازد و مقرر داشته است که هر شرکتی به این نوع معاملات با ایران اقدام کند مشمول تحریم‌هایی از جانب آمریکا خواهد شد.

۳- تحریم‌های بین‌المللی در موضوع هسته‌های ایران: با طرح موضوع هسته‌های ایران در جامع بین‌المللی و ایستادگی دولت و ملت ایران در برابر زیاده خواهی‌های جهان استکبار، شورای امنیت سازمان ملل با صدور سه قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ به تحریم‌های سنگین علیه کشور - مان اقدام کرد. پس از برجام نیز در قالب‌های مختلف شاهد تحریم‌های مختلفی به بهانه‌های گوناگون علیه کشورمان می‌باشیم.

حق دولت به ادامه حیات و دفاع از خود در وضعیت‌های اضطراری

حقوق بشر همیشه در همه وضعیت‌ها قابل اعمال است؛ اما هنجارهای قابل تعلیق و تخطی تحت شرایط خاصی تا اندازه‌ای وسیع امروزه وجود دارند. حقوق بین‌الملل با شناسایی وضعیت‌های اضطراری که در آن حیات و موجودیت یک ملت در معرض خطر و تهدید واقع می‌شود به دولت‌ها اجازه تعلیق برخی از قواعد حقوق بشر را داده است^۱، ماده ۴ میثاق بیانگر سازوکار فوق است.^۲ دولت‌ها در مقام ماده ۴ میثاق انواع اقدامات را به عمل می‌آورند و به روش‌های مختلف دست خود را باز می‌بینند. برای مشروعیت اعلام وضعیت اضطراری باید همواره شروط ضرورت، تناسب، عدم تبعیض و عدم مغایرت تعلیق با دیگر تعهدات بین‌المللی رعایت گردد.

^۱ - منبع وضعیت اضطراری در حقوق بین‌الملل امروز افزون بر ماده ۴ میثاق، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۴ منشور عرب است. مرجع وضعیت اضطراری (جنگ یا اضطرار عمومی در موقع به خطر افتادن حیات ملت) هم می‌تواند در منازعات مسلحانه داخلی باشد هم منازعات بین‌المللی:

Orakhelashvili, Alexander, "The Interaction between Human Rights and Humanitarian Law: A Case of Fragmentation?", International Law and Justice Colloquium, New York University, February 2007, p.15.

^۲ - به موجب این ماده: "در دوران اضطرار و خطر عمومی فوق العاده که حیات ملت را تهدید کرده و وجود این وضعیت رسماً اعلام می‌شود، دولت‌های عضو این میثاق می‌توانند دقیقاً به میزانی که وضعیت ایجاب می‌کند، تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق برای تعلیق تعهداتی که برعهده دارند، اتخاذ نمایند. مشروط بر اینکه تدابیر مذکور با سایر تعهدات آنها که به موجب حقوق بین‌الملل برعهده دارند، مغایر نباشد و به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، منشأ مذهبی یا اجتماعی منجر نشود". حکم ماده ۴ هیچگونه انحراف از مواد ۶ (حق حیات)، مواد ۷ (زار، شکنجه و مجازات یا رفتارهای ظالمانه یا تزدیلی)، بندهای اول و دوم ماده ۸ (بردگی و خرید و فروش برده) ۱۱ زندانی نمودن به خاطر عدم توانایی در اجرای یک تعهد قراردادی.

پیش‌بینی این اصول و تأکید بر آنها در رویه بین‌المللی، در حقیقت به منظور تضمین نفی سوء استفاده از سازوکار تعلیق حقوق بشر در مورد دولت‌هایی است که بدون ضرورت چنین تعلیقی، تعهدات حقوق بشری خود را معلق می‌کنند. مطابق این اصول هر وضعیت اضطراری تهدید کننده حیات ملت، تعلیق کلیه تعهدات قابل تعلیق را توجیه نمی‌کند.

پیدایش رویه‌های قضایی ارگان‌های حقوق بشری، همچنین تفاسیر عمومی کمیته حقوق بشر مشخص نموده‌اند که کدام یک از موازین غیرقابل تخطی هستند و کدام یک تحت شرایطی خاص قابل فسخ و تخطی‌اند. فهرست و طبقه‌بندی حقوق غیرقابل نقض به طور گسترده‌ای به وسیله تفاسیر اسناد حقوق بشری و با ارجاع به قواعد آمره حقوق بین‌الملل توسعه پیدا کرده است. برخی از موازین (حق حیات، ممنوعیت شکنجه، برده‌داری و به بردگی کشاندن، ممنوعیت مجازات غیرقانونی و...) به عنوان حقوق برتر در کلیه اسناد جهانی و منطقه‌ای آن‌چنان با شأن و کرامت انسانی و به عبارت بهتر با انسانیت انسان به هم آمیخته هستند که در هیچ حال حتی در زمان اضطرار عمومی که حیات ملت مورد تهدید قرار می‌گیرد قابل تعلیق، تخطی و تعطیلی موقت نمی‌باشند. حقوقی که بر کرامت و منزلت انسانی استوار بوده و زمان و مکان و قیدی را بر نمی‌تابد. این قواعد امری در حقیقت هسته سخت یا حقوق بنیادین بشری موسوم به حقوق غیرقابل تخطی هستند که حتی با استناد به تهدید حیات و منافع امنیتی دولت و تحت هیچ شرایطی حتی جنگ، نمی‌توان آنها را موضوع رزرو یا تعطیل موقت قرار داد، زیرا خلاف مقتضای میثاق است. مهم نیست وضعیت‌های اضطراری تهدیدکننده حیات و موجودیت ملت که باعث می‌شود دولت به اقداماتی متوسل شود، چقدر جدی و حیاتی باشد، چرا که در هیچ صورتی قصور از موازین و استانداردهای بنیادین بشری را توجیه نمی‌کند. حمایتی بودن ذات و ماهیت این هنجارها، دلیل غیرقابل تعلیق بودن آنها حتی در وضعیت‌های به خطر افتادن حیات و موجودیت ملت است. گرچه دولت‌ها مجازند در وضعیت‌های اضطراری برای نظم و امنیت عمومی تحت حقوق بشر بین‌المللی بعضی از موازین را محدود یا به حال تعلیق درآورند. اما به طور کلی تحدید و محدودسازی قواعد حقوق بشر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در موقع به خطر افتادن منافع ملی و امنیتی دولت‌ها تنها تا حدی مجاز هستند که اولاً به وسیله قانون تجویز شده باشند، ثانیاً برای دستیابی به اهداف مشروع ضروری و در حد متعارف و معقول و در پرتو اصل تناسب و ضرورت باشند. تعلیق برخی موازین حقوق بشر در وضعیت‌های اضطراری، اگر چه نشانه تحکیم وضع اخیر نسبت به هنجارهای حقوق بشری است، اما این بدان معنی نیست که دست دولت‌ها در توسل به زور در تعلیق و نقض موازین

حقوق بشر برای حمایت از امنیت و منافع ملی خود به طور نامحدود باز است. دولت‌ها نمی‌توانند برای وصول به اهدافشان به هر وسیله‌ای متوسل شوند. نقطه قوت حصول اتفاق نظر میان دولت‌ها در ضرورت اقدام برای حمایت از افراد انسانی، از یکسو به خاطر تحول مفهومی امنیت بوده که با این تحول، این فکر پدید آمده که دولت نباید تنها موضوع یا موضوع اصلی امنیت باشد بلکه نفع شهروندان و منافع کل بشریت باید موضوع اصلی امنیت قلمداد شود. تقابل منافع ملی حیاتی با موازین بنیادین بشردوستانه بین‌المللی تقابل امنیت بشری با امنیت ملی دولت‌های حاکم است و به تعبیری دیگر، اصطکاک ضروریات بشردوستانه (انسان یا بشر) با ضروریات امنیتی و نظامی (دولتها) را به تصویر می‌کشد. امروزه نفوذ و تأثیر بشریت غالب است و بر سایر ضروریات امنیتی و نظامی برتری دارد. این امر بقای انسان و حمایت از هسته حیاتی زندگی همه انسان‌ها زندگی و شخصیت وی، حفاظت از مردم از خطرات جدی، امنیت غذایی، برخورداری از حمایت کافی، رهایی از فقر و رهایی از تهدید نسبت به شأن و کرامت انسانی را شامل می‌شود. کنار گذاشتن محذورات ناشی از رعایت محدودیت‌های ناظر بر ابزارها و روش‌های جنگی و رعایت حقوق بنیادین بشردوستانه در هنگام دفاع از منافع و امنیت ملی به این بهانه که حاکمیت، منافع ملی و بشردوستی کاملاً با هم ناسازگارند، نمی‌تواند قابل قبول باشد. تعدیل و التزام دولت‌ها در رعایت حداقل استانداردهای بنیادین بشری در این وضعیت‌ها نشانه التزام دولت‌ها به جنگ انسانی و صورتبندی متوازن و متعادل ملاحظات نظامی و امنیتی و ضرورت‌های بشردوستانه است. دفاع از حیات و امنیت کشور نباید به قیمت تهدید جدی علیه امنیت بین‌المللی و در تعارض با قواعد و مقررات بین‌المللی باشد. بقای دولت ارزش نهایی نیست که ضرورتاً و الزاماً کلیه ارزش‌های دیگر به ویژه ارزش‌های نهفته در حقوق بشردوستانه را کنار گذارد. هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه حق مشروع دفاع از خود، اصول بنیادین حقوق بشردوستانه را کنار بگذارد.

تضمینات بین‌المللی در تسری حداقل استانداردهای بنیادین بشری در شورش‌ها و ناآرامی-

های داخلی

رویکرد جدید جامعه بین‌المللی نشان از این دارد که استانداردهای بنیادین بشری در این وضعیت‌ها (چه بین گروه‌های شورشی و چه نیروهای حکومتی) قابل اعمال است. همان ملاحظات انسان دوستانه اولیه برای انسانی کردن مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، به میزان کمتری در شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی نیز مطرح بوده است. به عبارتی همان‌گونه که رأی تادیب مقرر می‌دارد «تعهد دولت‌ها در احترام به حقوق انسانی اتباع خود در مخاصمات داخلی، کمتر از تعهد آنها و احترام به حقوق انسانی اتباع بیگانه در مخاصمات بین‌المللی نیست.

نتیجه گیری

گرچه در عالم نظر، وجود کثرت برداشت‌ها، امری مثبت تلقی می‌شود، اما به نظر می‌رسد در مرحله تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، این مسئله می‌تواند به هرج و مرج و بلا تکلیفی بینجامد. از آنجا که بخش مهمی از سیاست‌گذاری به برداشت‌ها و ذهنیت سیاست‌گذاران مربوطه نسبت به آن موضوع، بستگی دارد، سوء برداشت در آن و خصوصاً در موضوع سرنوشت‌سازی همچون امنیت، آثار بسیار زیان باری می‌تواند برای جامعه به دنبال داشته باشد. بنابراین توجیه و آگاه-سازی سیاست‌گذاران نسبت به مدل‌های مطلوب سیاست‌گذاری و لزوم اقدام متناسب با مدل مورد نظر، ضروری است. پیش نیاز این امر، شناخت و اشرافیت نسبت به مدل و مدلسازی و طراحی مدل مطلوب متناسب با شرایط است.

درک صحیح و واقع‌بینانه سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران نسبت به طراحی و به کارگیری مدل مطلوب سیاست‌گذاری امنیت داخلی، تا رسیدن به نقطه آرمانی فاصله زیادی دارد، زیرا با وجود ورود مدلسازی و سیاست‌گذاری امنیتی در مجامع دانشگاهی و قلم فرسایی نسبت به آن از سوی نخبگان و محققان کشور طی چند سال گذشته، این مفهوم کمتر مورد توجه و اعتنای جدی سیاست‌گذاران ارشد نظام واقع شده است. فارغ از اینکه این وضعیت را ناشی از عدم اعتقاد آنان به پذیرش چنین واقعیتی یا نشانه کم اهمیت دانستن موضوع نزد آنان یا از منظری بدبینانه آن را دال بر غفلت آنان نسبت به چنین موضوع مهمی تلقی کنیم؛ نتیجه-گیری منطقی این است که نزد سیاست‌گذاران ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران، نه تنها تلقی و برداشت واحد و یکسانی از طراحی و به کارگیری مدل مطلوب سیاست‌گذاران امنیت داخلی وجود ندارد بلکه اصولاً به نظر می‌رسد این متغیر، نقش تعیین کننده‌ای در ذهنیت سیاست-گذاران امنیتی کشور ندارد لذا گفتمان حاکم بر نگرش و برداشت موضوع سیاست‌گذاران امنیتی ایران نسبت به مفهوم امنیت می‌بایست از رویکرد سنتی فاصله بگیرد.

هر چند آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما راز ناگشودنی هم نیست برخی درس‌های قریب به یقین درباره آینده می‌توانند کمک مؤثری به طراحان سیاست‌گذاران امنیتی کنند. در گذشته، تهدید محوری، دولت محوری، تفکیک مملوس تهدیدهای داخلی از خارجی، بقای فیزیکی و غیره از ویژگی‌های اساسی سیاست‌گذاران امنیتی بودند؛ اما این موازین جای خود را به موضوعاتی نظیر جامعه و فردمحوری، فرصت‌محوری، درهم تنیدگی تهدیدهای داخلی و خارجی، رضایت شهروندان و... داده است. به عبارت دیگر رابطه متعارض قدرت و امنیت، دوگانگی قدرت و اخلاق، زور به عنوان تنها چهره قدرت، تمایز واقع‌گرایی از آرمان‌گرایی جای خود را به هم‌نشینی

قدرت و امنیت، تعامل قدرت و اخلاق، ظهور قدرت در چهره‌ها و فناوری‌های گوناگون و همزیستی آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی می‌دهد.

در شرایط تحول یافته کنونی، اساس موفقیت حکومت‌ها در سیاست‌های امنیتی، در برخورداری آنها از مدل مطلوب در سیاست‌گذاران امنیتی است. در صورت برخورداری از مدل مطلوب و استراتژیک در حوزه امنیت، سیاست‌گذاران بهتر می‌توانند اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت امنیتی خویش را تعیین کرده و به اولویت‌گذاری آنها مبادرت ورزند. ترسیم مدل سیاست‌گذاران امنیت داخلی، متأثر از سه متغیر مهم ارزش‌ها و آرمان‌ها، محیط امنیتی و توانایی‌های نظام سیاسی است. بنابراین در طراحی مدل، سه متغیر مذکور می‌بایست به خوبی مورد التفات قرار گیرند. لزوم پاسخگو بودن نظام نسبت به افکار عمومی در سیاست‌های امنیت داخلی، تا حدود زیادی آنها را از غلتیدن در دام فساد و سوء استفاده از قدرت، باز خواهد داشت.

این استنتاجات، ضرورت بازنگری و تطبیق برداشت‌ها و ذهنیت‌های سنتی سیاست‌گذاران امنیتی از سه مقوله ارزش‌ها، محیط امنیتی و توانایی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا به دلیل تنوع و تعدد در حال وقوع در ابعاد تهدیدها و آسیب‌های امنیتی؛ گزینش، استخدام و به کارگیری مدیریت نیروی انسانی کارآمد در بخش‌های تصمیم‌گیرنده، مجری و ارزیاب، به اصلاحات و مطابقت‌های جدی نیاز دارد. ایجاد انعطاف در سازمان‌های مرتبط برای منطبق ساختن خویش با مأموریت‌های محوله، از جمله پیش‌نیازهای این موضوع است.

پیشنهادات

امنیت یکی از ویژگی‌های مهم یک نظام اجتماعی کارآمد است. مقوله‌ی امنیت را نباید فقط متکی بر تدابیر نظامی و انتظامی و نیروهای مسلح دانست. از آنجا که در درون سطوح مختلف اجتماعی اعم از طبقات سنی، گروه‌های جنسی، اصناف و صاحبان حرفه و مشاغل و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی و ... وجود دارند، لازم است که با فعالیت‌های مختلف فرهنگی و تبلیغی زمینه را برای مشارکت و حضور یکپارچه‌ی مردم برای ایجاد یک محیط سالم امنیت محقق ساخت، تا از طریق باور ملی متوجه جایگاه خاص امنیت در ساختارهای عمده‌ی فرهنگی، هنریف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خود شود.

جدا از تهدیدات داخلی که امنیت ملی را مختل می‌سازد یک سری تهدیدات خارجی هستند که سبب می‌شود امنیت ملی درون جامعه مورد تهدید قرار گیرد. در این زمینه باید نظام سیاسی کشور با اقتدار تمام یک تدابیر جهت مقابله ملی با تهدید خارجی اعمال نماید و از نفوذ گروه‌های خارجی جهت نفاق در جامعه جلوگیری نماید....

منابع فارسی

کتاب

- علی داوری، آرش رضازاده، (۱۳۹۲)، *مدلسازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS*، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- دلاور، علی (۱۳۸۲)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ اول، تهران، دانشگاه پیام نور
- جی.ام شافریتز، کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع)

مقاله

- سید امین رضوی نژاد، جواد رزاقی (۱۳۹۷)، *مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاست‌گذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، سال نهم، شماره ۳

English Resources

Books

- Anderson, J. (1990), **Public Policy-making: An Introduction**, Boston, Houghton Mifflin
- Batdorf, John (2005), **The End of Strife: Nature's Laws Applies to Incomes**, Broadway Publishing Company, New York
- Bowie, Norman and Robert Simon (1998), **The Individual and the Political Order: An Introduction to Social and Political Philosophy**, Third Edition, Rowman & Littlefield Publishers

Article

- Delbrueck, Jost (1982), **International Protection of Human Rights and State Sovereignty**, Indiana Law Journal, Vol. 57, Issue 4
- **The Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency**, American Journal of International Law, Vol. 97, 1985
- Nilüfer Karacasulu, and Elif Uzgören (2007), **Explaining Social Constructivist Contributions to Security Studies**, at the METU Conference on International Relations, June 14-15 (2006)

Document

- A (FC) and others (FC) Appellants v. Secretary of State for the Home Department, House of Lords, Opinions of the Lord of Appeal for Judgment in the Cause, UKHL 56, 16 Dec 2004
- Human Rights Commission, Resolution 7991/12, 11 April 1998
- ICJ Reports, The Corfu Channel Case (the United Kingdom v. Albania), Judgment of 9 April 1949

- ICJ Reports, Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company -Limited, (Belgium v. Spain) Judgment of 5 February 1970
- ICJ Rep, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. US), Merits, Judgment of 27 June 1986
- ICJ Reports, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapon, Advisory Opinion, 1996
- UN Security Council, Resolution 688 of 5 April 1991
- UN Security Council, Resolution 841 of 16 June 1993
- UN Security Council, Resolution, 1970 of February 2011